

عنوان مقاله:

تحولات نظریه آرمانشهر و زمینه های اجتماعی- سیاسی آن

محل انتشار:

هفتمین کنگره انجمن ژئوپلیتیک ایران (جغرافیای سیاسی شهر) (سال: 1393)

تعداد صفحات اصل مقاله: 16

نویسندگان:

محمد سلیمانی مهرنجانی - دانشیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه خوارزمی تهران

سید یعقوب موسوی - استاد یار جامعه شناسی دانشگاه الزهرا تهران

سامان ولی نوری - دانشجوی دکترای جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه خوارزمی تهران

خلاصه مقاله:

آرمانشهر گرایی از قدیمیترین نظریه های سیاسی در مورد جوامع و بخصوص شهرهاست. سودای نیل به جامعه ای کامل و آرمانی و به دور از رنج و درد گذشته ای دراز دارد. آرمانشهرها در هر عصری با نگرش انتقادی به وضع موجود، به آینده ای روشن که در آن آزادی و عدالت و صلح و آسایش موج می زند نظر دارند. از جمهوری افلاطون، شهرخدا ی آگوستین، یوتویپای توماس مور، سلیمانکده بیکن، و شهر خورشید کامپانلا گرفته تا آرمانشهرهای عصر صنعت همانند ایکارای اتینکابه و هیژیای ریچاردسون و همچنین آرمانشهرهای معاصر همگی این اهداف را مد نظر داشته اند. اما باید یادآور شد که باتمام تشابهاتی که آرمانشهرها به لحاظ ماهیت و هدف دارند، این مفهوم تحت تاثیر شرایط اجتماعی، فرهنگی و سیاسی گذر زمان تغییر و تحولات زیادی را از پذیرا شده است. این نوشتار با روش تحلیلی و متکی به مطالعات اسنادی، باهدف فهم مفهوم آرمانشهر و تحولات این اندیشه در یک بستر اجتماعی، تاریخی، و سیاسی انجام گرفته است. نتایج مطالعه نشان می دهد که ایده آرمانشهر نیز علی رغم تعریف ظاهری ثابت، با توجه به شرایط تاریخی، اجتماعی و سیاسی متفاوت، به لحاظ تعریف، ماهیت، و هدف دگرگونی های بسیاری را از سر گذرانده است.

کلمات کلیدی:

آرمانشهر، آتوپیا، مدینه فاضله

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/371232>

